

حکومت ترور و اعدام «عاطفه»

سرمقاله نشریه مجاهد، شماره 682

سه شنبه 3 شهریور 1383 - August 24 2004

روز شنبه 24 مرداد، شاهرودی، رئیس قوه قضاییه رژیم آخوندی در جمعی از خبرنگاران و سفیران رژیم، با دزدن از «توسعه قضایی» در «مردمسالاری دینی»، راجع به فواید «مجازاتهای شلاق و تعزیر» گفت: «ضایعات و هزینه‌های حبس و زندان بیش از مجازاتهای شلاق و تعزیر است» و «سیاست اسلام مبتنی بر زندان و حبس نیست». آخوندهای دم‌کلفت حکومتی بارها راجع به مضار مجازات زندان (به معنی نگهداری نانخور اضافه) و در مورد فواید اعدام در ملأعام (به معنی ترساندن و کنترل عامه مردم) داد سخن داده‌اند.

روز یکشنبه 25 مرداد 83، همچنان که در صفحه آخر همین شماره می‌خوانید، آخوندها دختر نوجوانی به نام عاطفه را در شانزدهمین بهار زندگیش در برابر دیدگان مبهوت و گریان مردم شهر نکا اعدام کردند. در محاکمه او هیچ وکیلی حضور نداشت. عاطفه خودش زبان به دفاع گشوده و مظلومانه گفته بود: «اگر راست می‌گویید، چرا به جای قربانیان فساد اخلاق، عاملان اصلی را محاکمه نمی‌کنید؟». این زبان سرخ، سرسبز عاطفه را به بالای دار فرستاد. قاضی خون آشام گفت: «جرم‌ش اعدام نبود ولی چون زبان درازی کرد، اعدام شد». خودکامگی در کاربرد خشونت برای کنترل اوضاع، که قاضی‌القضات رژیم با وقاحت آن را مفیدتر از زندان و از علائم توسعه قضایی در بربریت آخوندی می‌داند؛ مصداق بارزی از «خشونت عمده علیه شهروندان» است که برحسب برخی از تعاریف مشهور «بلادرنگ تروریسم نامیده می‌شود».

هدف این خشونت و تروریسم، ارعاب و کنترل شهروندان و حفظ نظام نامشروع و غاصب است و نباید از «حق» گذشت که «توسعه» این روشها به اشکال گوناگون، دستاورد بی‌گفتگوی قضاییه آخوندهاست.

وقتی بی‌دادگاه آخوندی، در پرونده قتل زهرا کاظمی، به تبرئه متهم، در بردن قاتلان اصلی، بستن پرونده و انکار کامل جنایت حکم می‌کند، این رفتار مثل خود قتل، مثل خود شکنجه، مثل متلاشی کردن جسد، آثار دهشت افزا و شوکه‌کننده دارد. به قول سازمان خبرنگاران بدون مرز «ادعای قوه قضاییه ایران در مورد این پرونده، بهت آور. فراتر از تمسخر و توهین آشکار است و کلماتی که قدرت توصیف آن را داشته باشد، نمی‌توان پیدا کرد» (8 مرداد).

بدیهی است که این شدت قساوت و این درجه از وقاحت، در صورت فقدان جریزه و جوهره مقاومت، می‌تواند به‌مات‌شدن و یأس راه ببرد. هدف همین است و آخوندها بهای آبروریزی را می‌پردازند تا نان حفظ سلطه ظالمانه و نامشروع خود را بخورند.

آن چه که این معادله را علیه آخوندها درهم می‌ریزد واقعیت مقاومت سازمانیافته مردم ایران است. این هفته‌ها سالگرد قتل‌عام زندانیان سیاسی بر اساس فرمان انهدام جمعی از سوی خمینی است که بالاترین مصداق ترور حکومتی و نسل‌کشی در وحشیانه‌ترین شکل ممکن بود. ولی واقعیت این است که اگر یک سوی سکه شقاوت و سنگدلی و موج اعدام‌های وحشیانه دردل زندانهاست، بر روی دیگر سکه، مقاومت حماسی قهرمانانی نقش بسته‌است که حسرت یک کلام عقب‌نشینی و سرخم‌کردن را هم بردل دژخیمان باقی گذاشتند. آنها نشان دادند که حرف آخر رانه‌هیولای رعب و ترور بلکه شجاعت و اراده انسان آگاه ایرانی می‌زند که به‌چیزی کمتر از ریشه‌کن‌کردن کامل استبداد مذهبی و استقرار حاکمیت مردم راضی نیست.

سرفرازی مقاومت سازمانیافته و پایدار مردم ایران، ترور حکومتی و روش‌های ارباب عمومی را درهم می‌شکند. هم از این روست که رئیس جمهور برگزیده مقاومت با تسلیت به‌خانواده داغدار عاطفه و جوانان و مردم دردمند نکا، حماسه‌های مقاومت و پایداری هزاران جوان مجاهد و پیشتار آزادی را در برابر این رژیم وحشی یادآوری و تأکید می‌کند که اگر آخوندها گمان می‌کنند با درنوردیدن مرزهای توحش و آدم‌کشی، می‌توانند شعله‌های مقاومت مردم را در برابر فاشیسم مذهبی خاموش کنند، سخت در اشتباهند. این جنایتها برخشم و نفرت مردم می‌افزاید و مقاومت برای آزادی را فروزانتر می‌کند.

+++++

بر چیده از:

<http://www.hambastegimeli.com/newspaper/256>

<http://www.hambastegimeli.com/?q=node/view/8458>